



شماره ۶۹۵، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲۴ شهریور ۱۳۸۳

## آغاز نشست شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و مواضع رژیم ولایت فقیه

مختلف حکومتی و طرح مواضع ضد و نقیض در این زمینه بهانه های لازم را برای تشدید فشار بین المللی بر ایران فراهم آورده است. بر اساس همین گزارش ها محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی روز دوشنبه در نشست شورای حکام آژانس در وین، اظهاراتی را درباره فعالیت های مختلف آژانس از جمله تحقیقات این نهاد در زمینه برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران ایراد کرد. البرادعی در گزارش خود از جمله اظهار داشت: «گزارش

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان و ایران شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی برای رسیدگی به برنامه هسته ای چند کشور از جمله ایران، صبح دوشنبه در مقر سازمان ملل متحد در وین پایتخت اتریش، کار خود را آغاز کرد. بحث در باره برنامه هسته ای ایران اکنون مدتهاست که در دستور کار آژانس بین المللی و از جمله مسایل مورد تنش در منطقه است. فشار آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی برای متوقف کردن برنامه هسته ای ایران و هم چنین درگیری های داخلی جناح های

ادامه در صفحه ۲

به مناسبت سالگرد ۱۱ سپتامبر  
بشریت در تقابل با  
تروریسم و جنگ افروزی!

شنبه گذشته مصادف با سومین سالگرد حمله تروریستی جنایتکارانه و هولناک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. مشتی سیاه اندیش در قلب ایالات متحده جنایتی را مرتکب شدند که آثار و تبعات منفی ناشی از آن برای همیشه در تاریخ ثبت خواهد بود. مردم جهان هیچگاه لحظات وحشت باری را که هواپیماهای مسافربری به مثابه بمب های موشکی به آسمان خراش های دو گانه «مرکز تجارت جهانی» اصابت کردند و قریب سه هزار نفر را به کام مرگ فرستادند فراموش نخواهند کرد. تمامی بشریت مترقی این جنایت و مسیبان سیاه اندیش و تبهکار آن را محکوم کرد و با قربانیان آن اظهار همدردی کرد.

به موازات این تحقیق در مورد شرایط این حمله، عوامل موثر در شکل گیری و موفقیت آن و محافلی که از آن بهره

ادامه در صفحه ۵

### تشدید فضای امنیتی و جو سرکوب و ارباب، برنامه رهبری رژیم ولایت فقیه برای تحکیم پایه های حاکمیت دیکتاتوری و استبداد

تشدید جو اختناق و سرکوبی که پس از انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی آغاز شده بود شتاب و گسترش بیشتری به خود می گیرد. در هفته های اخیر در پی انتشار اخبار جسته و گریخته ای از علل و عوامل و سازمان دهندگان موج جدید آدم ربایی ها، دستگیری و شکنجه دگراندیشان روشن شد که نزدیکان و وابستگان سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، سازمان دهندگان اصلی یورش کنونی بر ضد روزنامه نگاران، سایت های خبری؛ منتقدان، و اصلاح طلبان دولتی هستند. سایت

خبری «امروز» که خود در هفته های اخیر مورد یورش تیم ولی فقیه قرار داشته است در گزارش جالبی از نیروهای پشت پرده بورش های اخیر نوشت: «تیم اصلی تهیه پرونده علیه احزاب، مطبوعات، سایت ها و کانون های اصلاح طلب یا منتقد متشکل از حجت الاسلام رضائی (رئیس حفاظت اطلاعات فعلی ناجا و مسئول سابق حفاظت نهاد رهبری)، میثم (مسئول بخش اطلاعات سپاه در مورد اصلاح طلبان و از اعضای سابق دفتر رهبری) حجت الاسلام پورمحمدی (معاون سابق وزارت اطلاعات و

ادامه در صفحه ۶

### همبستگی احزاب ترقیخواه جهان با مردم ایران

ده ها حزب و سازمان کمونیست کارگری جهان، در پاسخ به فراخوان حزب توده ایران، با انتشار بیانیه مهمی ضمن اظهار تکرانی از تحولات ماه های اخیر کشور و از جمله حملات رژیم به روزنامه ها و سایت های اینترنتی و دستگیری روزنامه نگاران و فعالین جنبش دانشجویی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و از جمله روزنامه نگاران دستگیر شده، گردیدند. بیانیه همچنین خواستار آن شد که مقامات رژیم تبعیت خود را از تمامی اصول مندرج در منشور سازمان ملل و بیانیه جهانی حقوق بشر اعلام کنند. متن کامل این بیانیه و اسامی همه احزاب امضاء کننده آن در شماره آینده نامه مردم منتشر خواهد شد.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری  
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه آغاز نشست شورای حکام آژانس ...

کاملی از اقدامات آژانس در زمینه برنامه هسته‌ی ایران تهیه شده است. «البرادعی در زمینه بخش دوم این گزارش درباره روند غنی سازی اورانیوم و آنچه که مربوط به نظارت آژانس بر تعلیق داوطلبانه فعالیت های مرتبط با غنی سازی اورانیوم در ایران، به عنوان اقدامی اعتمادساز مربوط است، گفت: «همانطور که در گزارش خود به نشست ماه ژوئن (خرداد) شورای حکام اعلام کردم، دو موضوع در فهم محتوا و ماهیت برنامه هسته‌ی ایران نقش اصلی را دارند. در خصوص منشأ آلودگی های اورانیوم غنی شده در نقاط مختلفی در ایران که در گزارش ذکر شده است، باید خاطر نشان کنم که در زمینه تعیین منشأ آلودگی های اورانیوم غنی شده در شرکت کالای الکتریک و نطنز، پیشرفت هایی حاصل شده که این پیشرفت ها تا حدی به دلیل همکاری کشورهای دیگر بوده است. وی گفت: آنچه از تحقیقات آژانس تا این تاریخ بر می آید، این اظهار مقامات ایران که آثار اورانیوم غنی شده در نتیجه اقدامات این کشور برای غنی سازی اورانیوم در این مکان ها نبوده است، پذیرفتنی و قابل قبول به نظر می رسد. با این حال، ما همچنان به پیگیری برای شناسایی منشأ و دلایل وجود چنین آلودگی هایی و نیز منشأ آلودگی های اورانیوم با سطح غنی شدگی پایین یافت شده در نقاط مختلفی در ایران، از جمله بر روی قطعات ساخته شده در داخل این کشور، ادامه می دهیم.» البرادعی اضافه کرد: «آژانس همچنین به درک بهتری از تلاش های ایران برای وارد کردن، ساخت و استفاده از سانتریفیوژهای نوع پی- پی- نائل شده است. اما تحقیقات بیشتری برای تایید اظهارات ایران در خصوص غیاب فعالیت های مرتبط با سانتریفیوژها لازم است. این تحقیقات نیازمند اطلاعات بیشتری از سوی ایران و نیز همکاری بیشتر کشورهای دیگر و همچنین شرکت ها و افراد مرتبط با شبکه غیرقانونی تهیه مواد هسته‌ی است. «البرادعی در ادامه اظهار داشت: «در ارتباط با اقدامات اعتمادسازی که آژانس درخواست اجرای آنها را تا زمان حصول شرایط مشخصی کرده بود، همان طور که آگاه هستید، ایران در ماه ژوئن برخی از تصمیم های قبلی خود را در خصوص تعلیق فعالیت های مرتبط با غنی سازی لغو کرد. من همچنان خطاب به ایران تاکید کرده ام که در این دوره حساس، در حالی که اقدامات برای راستی آزمایی برنامه هسته‌ی گذشته ایران در جریان است، و با توجه به نگرانی های جدی بین المللی در خصوص آن برنامه های ایران، این کشور باید بیشترین تلاش خود را برای اعتمادسازی از طریق آژانس به عمل آورد.» در مقابل سخنان البرادعی، حسین موسویان، دبیر شورای امنیت ملی و مسئول هیأت نمایندگی ایران در این نشست ضمن استقبال از بخش نخست سخنان البرادعی در پاسخ به انتقادات انجام شده گفت: «غنی سازی سطح بالا در تاسیسات نطنز و کالای الکتریک یکی از موارد ابهام برای آژانس بود ولی اکنون مدیرکل آژانس تایید کرد که این سطح غنی سازی در داخل ایران صورت نگرفته است.» سخنگوی هیأت ایرانی در نشست شورای حکام همچنین درباره بخش دوم گزارش البرادعی اظهار داشت: «ایران از ماه ژوئن یعنی در زمان نشست قبلی شورای حکام اعلام کرد که تعلیق فعالیت های خود در بخش مونتاژ و غنی سازی را شکسته است. ما پیش از این اعلام کرده بودیم که چون اروپایی ها به تعهد خود در قالب توافق نامه فوریه عمل نکردند، ما نیز به تعهد خود عمل نمی کنیم و به همین خاطر تعلیق مونتاژ قطعات دستگاه سانتریفیوژ را متوقف کردیم.» موسویان اضافه کرد که: «مدیرکل آژانس از ایران خواست که این تعلیق را بطور کامل ادامه دهد تا در ماه نوامبر، این آژانس به جمع بندی نهایی در این زمینه برسد. از دیدگاه آژانس مساله غنی سازی لیزری و تبدیل اورانیوم حل شده است.» موسویان افزود: «تعلیق غنی سازی از ابتدا یک تصمیم داوطلبانه بود. ما این تصمیم را در ماه اکتبر سال (مهر) به منظور اعتمادسازی اتخاذ کردیم و اکنون معتقدیم که در راه اعتمادسازی، گام های اساسی را برداشته ایم.» سخنگوی هیأت ایرانی در نشست شورای حکام غنی سازی اورانیوم را حق مشروع ایران و سایر اعضای آژانس بین المللی انرژی

اتمی دانست و گفت: «ما همه گام ها را برای اعتمادسازی برداشته ایم و هیچ کار ما غیرقانونی نیست. وی اضافه کرد: «امروز همه فعالیت های غنی سازی اورانیوم در ایران تحت کنترل آژانس بین المللی انرژی اتمی است و به همین خاطر معتقدیم که تعلیق غنی سازی اورانیوم نمی تواند برای مدت طولانی ادامه پیدا کند.» بحث اساسی و فشارهای خصوصاً دولت آمریکا در این نشست ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. طرح قطعنامه تهیه شده از سوی سه دولت انگلیس، فرانسه و آلمان تا ماه نوامبر (دی ماه) برای ایران مهلت برای روشن شدن مسایل مورد درخواست آژانس تعیین کرده است. یوشکا فیشر، وزیر امور خارجه آلمان، روز دوشنبه در نشست رسمی ماهانه وزیران امور خارجه کشور عضو اتحادیه اروپا در بروکسل خواستار عمل کردن ایران به تعهدات خود در زمینه برنامه هسته ایش شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از بروکسل، فیشر گفت: «به گمان ما ایران باید برای عمل به تعهدات خود از هیچ اقدامی فروگذار نکند، این کار به نفع آنها است.» بر اساس همین گزارش وزیر امور خارجه آلمان همچنین نسبت به آنچه او خطر اشتباه محاسباتی تهران (در زمینه مسائل هسته‌ی) نامید، هشدار داد و گفت: «امیدوارم که ایرانی ها این مساله را درک کنند، در غیر این صورت ما در شرایطی جدی و حساس قرار خواهیم گرفت.» در حاشیه همین گزارش جک استراو، وزیر خارجه انگلیس، نیز در نشست بروکسل با اشاره به مطرح شدن قصد ایران برای از سرگیری بخشی از فعالیت غنی سازی اورانیوم، گفت: «این اقدام به اعتماد ایجاد شده نسبت به اطمینان هایی که تهران در ارتباط با برنامه هسته‌ی خود داده بود، خدشه وارد کرده است.» استراو همچنین گفت که تهران به فرانسه، آلمان و انگلیس قول داده بود روند غنی سازی اورانیوم و همه فعالیت های مرتبط با آن را به حالت تعلیق درمی آورد.» وی افزود: «متعهد شدن ایران به تعلیق کامل غنی سازی اورانیوم و فعالیت های مرتبط با آن هرگونه فرآوری که در دست اجرا دارد، چیزی است که ما خواستار مشاهده آن هستیم.»

همان طور که هم از سخنان البرادعی و هم از سخنان وزاری خارجه سه کشور اروپایی بر می آید اقدام ناگهانی ایران برای متوقف کردن روند تعلیق غنی سازی اورانیوم آنهم درست چند ماه پیش از نشست شورای حکام در وین، سیاستی است که بدون تعمق لازم و به گونه‌ی تحریک انگیز اتخاذ و بی شک یاری دهنده سیاست های آمریکا و اسرائیل در زمینه تشدید فشار بر ایران است. روشن نیست که چرا ایران نمی توانست تنها چند ماه دیگر صبر کرده تا این نشست برگزار گردد و نتایج لازم اتخاذ شود. افزون بر این اتخاذ سیاست های ماجراجویانه جناح راست رژیم و سخنان تحریک آمیز کسانی همچون لاریجانی در زمینه حق ایران برای دست یابی به سلاح های هسته‌ی بی و همچنین هیاهوی نیروهای سپاه و بسیج برای ایجاد یک سپر دفاعی انسانی شامل ده ها هزار انسان، برای دفاع از نیروها گاه های هسته‌ی بی ایران در بوشهر و شهرهای دیگر در شرایطی که برخی از کشورهای اروپایی و دیگر اعضای شورای حکام تلاش در کاهش تنش را دنبال می کنند تنها می تواند یک سیاست ماجراجویانه به دلیل شرایط و درگیری های داخلی در ایران باشد. بازی با منافع ملی ایران و اتخاذ سیاست های ناخردانه در زمینه برنامه هسته‌ی بی ایران آنهم در شرایطی که منطقه خاورمیانه درگیر بیش از پیش روند نظامی گری امپریالیسم و بالا گیری درگیر های نظامی است موضوعی است که می تواند در دراز مدت خطرات جدی بی برای امنیت و منافع ملی میهن ما به همراه داشته باشد.

## نامه مردم در جشن صدمین سال روزنامه اومانیته



**عکس داخل: رفیق فرانتس فورتنس، از اعضای رهبری حزب کمونیست فرانسه و رئیس گروه چپ در پارلمان اروپا**

همه سندیکاها برای دفاع از «حق کار»، به مثابه یک حق طبیعی انسانی پیشنهادی را مطرح کردند که با موافقت وسیع همه سندکاها روبرو شد.

غرفه «نامه مردم» همچون سال‌های گذشته به مرکز تجمع ترقی خواهان ایرانی شرکت کننده در جشن اومانیته بود. غرفه با تصاویر رهبران جنبش کمونیستی میهن مان و سرداران به خون غلطیده حزب توده ایران تزئین شده بود و در گوشه ای از آن آخرین نشریات، کتب و سایر آثار سیاسی و تبلیغاتی منتشره حزب به نمایش گذاشته شده بود. مراجعه صدها هموطن و از جمله نمایندگان نیروهای سیاسی مترقی میهن به غرفه حزب و شرکت آن‌ها در بحث‌های سازنده در رابطه با ضرورت اتحاد نیروهای مترقی در جبهه ای با هدف طرد رژیم ولایت فقیه و استقرار دموکراسی پایدار گوشه ای از کارنامه درخشان غرفه نامه مردم بود. بازدید تعدادی از هیئت‌های نمایندگی احزاب برادر و از جمله حزب کمونیست هند، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه و حزب کمونیست انگلستان به غرفه مشخصه ویژه ای داده بود. ده‌ها هوادار حزب به طور خستگی ناپذیری به پذیرائی از مراجعه کنندگان با غذا‌های ایرانی مشغول بودند.

نمایندگان کمیته مرکزی حزب و هیئت تحریریه نامه مردم در طول کنفرانس در جریان ملاقات‌های دوجانبه و بحث‌های چندجانبه نظرگاه‌های حزب توده ایران و مشخصه‌های عمده شرایط سیاسی حاضر کشور را برای هیئت‌های نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری فرانسه، تونس، پرتغال، جمهوری چک، آرژانتین، آلمان، لبنان، سوریه، سنگال، آرژانتین، مراکش، اسپانیا، ایتالیا، هند و انگلستان توضیح دادند. احزاب برادر با اعلام حمایت از مبارزه مردم میهن مان برای پایان گذاشتن بر دیکتاتوری مذهبی و تاکید بر ضرورت دفاع از صلح جهانی همبستگی خود با حزب توده ایران را اعلام کردند.

جشن اومانیته که در روزهای ۲۰ تا ۲۲ شهریور در پارک عظیم کورنو شهر پاریس برگزار شد، امسال میعادگاه میلیون‌ها نفر از جوانان، زنان و زحمتکشان فرانسه و اروپا بود که در فضایی سرشار از نشاط، موسیقی، مبارزه‌گری و امید به آینده به طراحی اتحادی وسیع و مردمی برای به چالش کشیدن «جهانی شدن» سرمایه داری و نظامی‌گری و جنگ پرداختند. جشن امسال مصادف با صدمین سالگرد انتشار روزنامه مشهور کمونیست‌های فرانسه بود و به همین لحاظ با اهمیت و شور خاصی برگزار می‌شد. حضور نزدیک به صد غرفه متنوع و رنگارنگ روزنامه‌های چپ و مترقی، ارگان‌های سیاسی احزاب کمونیست و چپ جهان، در بخشی از پارک فستیوال که زیر نام دهکده جهانی طراحی شده بود، و شرکت ده‌ها هزار کمونیست و مبارز از سراسر جهان به فستیوال چهره‌ای واقعا بین‌المللی داده بود. مبارزه برای خاتمه دادن به اشغال عراق و همبستگی با خلق فلسطین از جمله محورهای پر قدرت جشن اومانیته بود. شرکت فعال وزیر خارجه ونزوئلا در یکی از بحث‌های سمینار در رابطه با مبارزه با تروریسم و نظامی‌گری که با شرکت نمایندگان جنبش ضد جنگ آمریکا، حزب کمونیست عراق، حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان، حزب کمونیست فرانسه و مرکز سندیکایی هند برگزار شد، انعکاس جدی بودن و وسعت طیف شرکت کننده‌گان در جشن امسال بود. از جنبه‌های چشمگیر جشن امسال برپایی چندین نمایشگاه در رابطه با تاریخ و دستاوردهای روزنامه اومانیته، سخنرانی‌ها و سمینارهایی در رابطه با یک قرن فعالیت و دورنمای آینده و همچنین غرفه‌های عظیمی برای بحث و نظردهی در مورد مهمترین مسایل جنبش بود. سردبیر اومانیته در جریان افتتاح رسمی جشن امسال فراخوانی را «برای همکاری نیروها، انجمن‌های سیاسی و اجتماعی که خواهان یک برنامه برای ایجاد چپ واقعی و طرد راست از حکومت» مطرح کرد.

ضرورت سازماندهی اشکال نوین مقاومت در مقابل یورش سرمایه داری و اتحادیه اروپایی تحت کنترل سرمایه در مرکز فعالیت‌ها و سخنرانی‌های جشن قرار داشت. یکی از جالب‌ترین جنبه‌های فستیوال امسال سازماندهی بحث‌هایی در رابطه با تبادل نظر سندیکاهای فرانسوی و دیگر کشورها در رابطه با بی‌کار شدن کارگران بدلیل انتقال سرمایه از کشوری به کشور دیگر در جستجوی نیروی کار غیر متشکل و ارزان بود. رهبران مرکز سندیکایی ترقی خواه «ث.ث.ت.» در باره نیاز برای تشکیل جبهه ای از

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران**



## سرنوشت بخش تعاونی در رژیم ولایت فقیه

**\* با توجه به محتوی سمت گیری اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی که نسخه دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول است، سخن گفتن از بخش تعاونی و رواج و گسترش آن، آنگونه که رفسنجانی تبلیغ می کند، یک دروغ آشکار و صرفاً برای خوراک تبلیغات ریاست جمهوری آینده است!**

در چند هفته اخیر شاهد آن بودیم که، سران و گردانندگان رژیم ولایت فقیه، در راستای برقراری عدالت اجتماعی به زعم خود، به یاد بخش تعاونی در سیستم اقتصادی معیوب و ناهنجار خود افتاده اند و روزی نیست که درباره آن داد سخن ندهند!

برای گرامی داشت تعاون و بخش تعاونی، اخیراً در یک همایشی وسیع تحت عنوان همایش جایگاه تعاون در چشم انداز ۲۰ ساله توسعه کشور برپا گردید و محلی شد برای تبلیغات رفسنجانی و شرکاء! رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن سخنانی در این همایش به تعریف و تمجید از نقش بخش تعاونی در اقتصاد امروز ایران و نیز خدمات وزارت تعاون پرداخت. وی در بخشی از سخنان خود با اشاره به اهمیت بخش تعاونی در تحول اقتصادی کشور خاطر نشان ساخت: هدف تعاونی ها در جهت اسلامی است... عدالت یکی از اهداف مهم ما محسوب می شود. عدالت اساسی نظام آفرینش است؛ تبلور حس عدالت خواهی در قانون اساسی مشاهده می شود و ما تعاون را یکی از ابزارهای مهم تامین عدالت قرار دادیم. رفسنجانی پس از این سخنان بی پشتوانه و سراسر دروغ با تاکید به نقش وزارت تعاون مدعی گردید: حرکت کمی وزارت تعاون نسبتاً خوب بود. بطوریکه یک پنجم جمعیت ما تحت پوشش تعاونی ها هستند. فرهنگ کار تعاونی در جامعه وجود دارد. ولی کمی دچار تزلزل شده است، آنچه در چشم انداز ۲۰ ساله آمده پایگاه تعاونی ها را محکم می کند. بنای ما در مجمع تقویت بخش تعاونی است و مجمع در بحث اصل ۴۴ و انتقال کارها به غیر دولت و بخش تعاون اولویت دارد. مجمع در بحث تشکیل بانک های تعاونی حمایت می کند. و در پایان نیز او پیشنهاد داد نتایج همایش مذکور جمع بندی شده و به مجمع تشخیص مصلحت با هدف تقویت تعاونی ها ارسال گردد. این موضعگیری زمانی تبلیغ می شود که، اتفاقاً شخص رفسنجانی و مجمع تشخیص مصلحت دست در دست ولی فقیه با تنظیم سیاستهای کلی نظام برنامه ای را مورد تایید و پشتیبانی قرارداده اند که در آن تقویت بخش خصوصی به بهای تضعیف هرچه بیشتر تعاونی محور عمده و اساسی است. موضعگیری رفسنجانی پیرامون تعاون و تعاونی در شرایط کنونی صرفاً یک ژست تبلیغاتی است و نه چیز بیشتری! به دنبال این همایش و تقریباً همزمان با آن، مدیر کل تعاون استان تهران به تاریخ ۱۴ شهریور ماه سال جاری خورشیدی اعلام داشت؛ موانع حضور تعاونی ها در بورس برطرف شده است. این مسئول وزارت تعاون در استان تهران همچنین یادآور شد، هم اکنون در تهران ۱۰ هزار تعاونی وجود دارد که در زمینه های کشاورزی، صنعتی، بهداشتی و درمانی و جز اینها فعال هستند.

از دیگر سو رژیم در اقدامی نمایشی با سرو صدای تبلیغاتی فراوان، فاز دوم شهر جدید پرنده را که متعلق به واحدهای تعاونی است افتتاح کرد. وزیر تعاون در مراسم افتتاح این طرح ۶۵۰۰ واحدی، آماری را از نحوه فعالیت تعاونی ها ارایه کرد و از جمله گفت: امروزه در ایران ۹۶۲ طرح شامل ۲۷۴ طرح کشاورزی، ۲۷۱

طرح خدمات و ۱۸۵ طرح در صنعت و معدن و همچنین ۲۳۲ طرح مربوط به سایر فعالیتها در بخش تعاون به بهره برداری خواهد رسید... مجموعه سرمایه گذاری برای این طرح ها ۲۴۰۱ میلیارد ریال است که ۳۴ درصد آن یعنی ۸۱۲ میلیارد ریال آن از سوی اعضای تعاونی ها تامین شده است. وی سپس افزود: افزایش میزان فرآورده های اعضای تعاونی ها از ۵ درصد به ۶۶ درصد نشان دهنده تجمع سرمایه های خرد در قالب تعاونی ها است. البته این ادعا با واقعیت مطابقت ندارد که به آن خواهیم پرداخت. وزیر تعاون در پایان اعتراف نمود: متأسفانه نگاه های موجود نسبت به قابلیت های بخش تعاون بسیار ضعیف است، بطوریکه مشکل ایجاد شده (دقت کنید مشکل ایجاد شده) در بخشی از تعاونی ها مسکن را به سایر تعاونی ها می کشانند و البته که این مشکل با تشکیل کمیته ویژه در وزارت تعاون در حال حل و کاهش است، باید بگویم وجود وزارت تعاون در کشور ضروری است...

واقعیت اینست که، بخش تعاونی در سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی میان تهی و فاقد محتوی مترقی و دموکراتیک است. ادعای وزیر تعاون مبنی بر گردآوری سرمایه های خرد نیز با توجه به اوضاع کنونی، یعنی ورشکستگی شدید تولید کنندگان کوچک و ناتوانی آنها در برابر قدرت مالی بنیادهای زالو صفت و غارتگر چون بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی امری است انکارناپذیر.

در سال های اخیر با توجه به سمت گیری اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر تقویت بخش خصوصی و تامین امنیت سرمایه، بخش تعاونی بیش از پیش تضعیف شده و محتوی ماهیت خود را از دست داده است. به عنوان نمونه، رژیم تبلیغ می کند که در جهت تقویت بخش تعاونی، قرار است تعدادی از مراکز صنعتی - خدماتی به تعاونی ها واگذار شود. رفسنجانی حتی از ایجاد بانک های متعلق به تعاونی ها سخن می گوید. از جمله در ۱۵ شهریور امسال، اعلام گردید، سه کارخانه دولتی جای به بخش تعاونی واگذار می شود. جالب ایجاب است که دبیر اتحادیه چایکاران در مصاحبه با خبرگزاری مهر به تاریخ ۱۱ شهریور ماه با صراحت تاکید کرده بود: به دلیل واردات بی رویه بیش از ۸۰ درصد کارخانه های چای تعطیل شده اند. در حال حاضر ۹۰ درصد باغ های بزرگ چای در شمال کشور به دلیل عدم صرفه اقتصادی برداشت نشده است.

به این ترتیب کارخانجات تعطیل و در حال رکود به تعاونی واگذار می شوند و سپس به نام اینکه تعاونی ها قادر به اداره و هدایت آنها نبودند مشکل اولاً به گردن بخش تعاونی انداخته می شود و ثانیاً بخش خصوصی با کمک تسهیلات دولت و بانکها به سهل ترین شکل ممکن این واحدها را به نام ایجاد رونق اقتصادی تصاحب می کند.

بنابراین مادامی که سمت گیری اقتصادی - اجتماعی ضد ملی کنونی پیاده می شود، بخش تعاونی نمی تواند شکوفا شده و گسترش یابد. رشد و گسترش بخش تعاونی در گرو تدوین و اجرای یک برنامه واقع بینانه ملی است. حزب ما همواره معتقد بوده است، اتحاد زحمتکشان بر پایه اصل تعاونی و ایجاد و گسترش تعاونی ها که، عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی را فرامی گیرد، شرط ضرور پیشرفت اجتماعی است. به عبارت دیگر، بخش تعاونی باید جزء جدایی ناپذیر نظام اقتصادی باشد و از لحاظ اهمیت در پیشرفت اقتصادی - اجتماعی، سلاح برنده ای برای ایجاد تحول بنیادی به سود عدالت اجتماعی قلمداد گردد.

بخش تعاونی علاوه بر تولید کشاورزی، دامداری و صنعتی، عرصه های توزیع و دیگر خدمات را نیز دربر می گیرد. در عین حال بخش تعاونی بمثابه اهرمی موثر، یگانه وسیله تجمع انبوه تولید کنندگان کوچک و خرد، دارندگان ابزار تولید ابتدایی در موسسات تولیدی دست جمعی است و باید توانایی و منافع این گروهها را تامین کند. افزون بر اینها، شرط ضرور گسترش و رشد بخش تعاونی به درجه

## ادامه بشریت در مقابله با تروریسم و جنگ افروزی

با دیک چنی، معاون رئیس جمهور، در سودای سودهای چند میلیارد دلاری هستند. این کمپانی های نفتی بزرگترین کمک های مالی را به صندوق انتخاباتی جورج بوش کرده بودند. در پایان می باید به تحول بسیار مهمی در افکار عمومی جهان و رشد مخالفت توده یی با سیاست های آمریکا اشاره کرد. مردم جهان با درک درست ماهیت تحولات بطور گسترده و پیگیری به مقابله با طرح های ماجراجویانه محافظه کاران نو در مرکز قدرت ایالات متحده برخاسته اند. اینکه در روز ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ و مشخص شدن اینکه ایالات متحده مصمم به آغاز جنگ است، ۱۰۰ میلیون نفر از مردم در همه کشورهای پنج قاره جهان در مخالفت با آن به خیابان ها ریختند، نمایشی پر قدرت از این حقیقت است.

جوانان، زنان، کارگران، پاسیفیست ها، مبارزان حفظ محیط زیست و خلاصه طیف وسیعی از مردم در این مبارزه که به باور آنان آینده و امنیت کره زمین به نتیجه آن وابسته است پیوسته اند. اینکه «انزار»، نخست وزیر جنگ طلب اسپانیا، بطور غیر قابل تصویری در انتخابات این کشور شکست خورد، و یا اینکه دولت تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، در نه ماه گذشته از بحرانی به بحرانی غلتیده و احتمال جدی استعفای این متحد انگلیسی بوش در اردیبهشت ماه مطرح بوده است، اینکه در اوایل شهریور پیش از نیم میلیون نفر به مخالفت با بوش در نیویورک به خیابان ها می آیند را باید انعکاسی از این تحول بی سابقه ارزیابی کرد. نظر سنجی های انجام شده در اکثر کشورهای خاورمیانه که از سوی ارگان های مستقل صورت گرفته نشانگر مخالفت یکپارچه و بی سابقه مردم با سیاست های ماجراجویانه آمریکا و محافل متحد آن می باشند. جالب اینست که اکثر این کشورها تا دو سه سال پیش از متحدان نزدیک ایالات متحده محسوب می شدند.

به باور ما احزاب تحول طلب و انقلابی می بایست با درک دقیق این عنصر نوین اثر آن را در تدوین سیاست های مبارزاتی و از جمله اتحادهای وسیع در دفاع از صلح و برضد تروریسم، جنگ و مداخله جویی ایالات متحده مورد مطالعه قرار دهند. نیروهای مترقی منطقه و جهان از همان لحظه اصابت هوایماها به «مرکز تجارت جهان» به موازات محکوم کردن صریح هر نوع عمل تروریستی یادآور شدند که مداخله نظامی هیچ مساله یی را حل نمی کند، بلکه فقط برای یک وضعیت کوتاه مدت پایان خونینی را رقم می زند. همانگونه که خود آقای بوش تصدیق کرده است در جنگ برضد تروریسم «نمی توان پیروز» شد. لذا نباید به چنین جنگی وارد شد. مشکلات و مسایل سیاسی را باید با راه حل های سیاسی حل کرد. به غیر از این هیچ راه دیگری برای حصول یک صلح پایدار وجود ندارد.

گیری کرده اند، هنوز ادامه دارد. در سال گذشته نتایج یک بخش از تحقیقات کنگره آمریکا در مورد این جنایات، که سؤال های جدی یی را در رابطه با عملکرد سازمان های اطلاعاتی و همچنین بالاترین محافل حاکمه ایالات متحده مطرح کرد، منتشر شد. مطمئناً با افشای اسناد پنهان ابعاد دیگری از این حمله تروریستی و عکس العمل دولت آمریکا در رابطه با آن روشن خواهد شد. آنچه به باور ما در سومین سالگرد ۱۱ سپتامبر می باید بطور جدی مورد توجه قرار بگیرد، تبعات اجتماعی - سیاسی آن در ایالات متحده و بازتاب های آن در صحنه بین المللی به لحاظ نظامی و دیپلماتیک می باشد. آنچه در ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد، مخوف و وحشتناک بود، اما آنچه در روزها، هفته ها و ماه های بعد از آن شکل گرفت و اکنون در سطح جهان به آن شکل قانونی داده می شود، از آن ترسناک تر و مهیب تر است.

۱۱ سپتامبر لحظه تعیین کننده یی در ریاست جمهوری جورج بوش، به شمار می آید. این فاجعه نعمت غیرمترقبه یی بود که یک روزه او را به یک «قهرمان ملی» روزنامه ها و رسانه ها تبدیل کرد. توجه به ارتباط بین رهبری بوش و حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، «جنگ برضد ترور» و دکترین «جنگ های پیش گیرنده نا محدود» را باید مورد توجه قرار داد. گروه سیاست گذاران راست افراطی که در کنار بوش قرار دارند، از ۱۱ سپتامبر بهره گیری کردند تا ترس و وحشتی بی سابقه را در مردم آمریکا بکارند. آن ها مدعی شدند که بدون شروع و ادامه بی وقفه «حملات پیش گیرنده» تروریسم نظم موجود را بهم خواهد ریخت، در صورتی که رژیم عراق از بین برداشته نشود، یک «پرل هاربر» دیگر به وقوع خواهد پیوست.

آن ها به طور هدفمندی به مردم آمریکا گفتند (و این امر در همه کشورهای بزرگ سرمایه داری به نوعی تکرار گردید) که در هواپیما ها، در آسمانخراش ها، در مغازه ها و در داخل قطارها و تونل ها امن نخواهند بود، مگر اینکه با افغانستان و عراق و همه آن کشورهایی که علنی و غیرعلنی در «محور شرارت» قرار دارند، تصفیه حساب بشود. آن ها حتی اخیراً گفته اند که بعید نیست که بخاطر تهدید تروریستی «انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در آبان ماه جاری» به تعویق انداخته شود.

تهاجم بی سابقه به آزادی های مدنی، حقوق دموکراتیک و نیروهای سیاسی مترقی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری تحت لوای ملاحظات امنیتی را نمی توان از پروژه حساب شده نیروهای نولیبرال حاکم بر سیاست گذاری آمریکا برای ابدی کردن قدرت خود و تثبیت قرن ۲۱ به عنوان «قرن آمریکا» جدا دانست. این واقعیتی است که در سه سال گذشته بهانه جورج بوش برای هرچه کرده، ترس از القاعده، طالبان، عراق و خلاصه تروریسم بوده است. ایدئولوگ های دولت بوش اکنون به بهانه امحاء زمینه های تروریسم طرح «گسترش دموکراسی در خاورمیانه بزرگ» را در دستور کار گذاشته اند. همانطور که در مقالات متعدد نامه مردم در ماه های اخیر اشاره شده است، هدف این طرح همچنین گسترش حیطه عمل موثر «جهانی شدن» سرمایه داری در خاورمیانه است.

فراموش نکنیم که تخمین زده می شود فقط در منطقه دریای خزر منابع نفت و گاز ارزشی حدوداً شش تریلیون دلار دارا هستند. کمپانی های نفتی مرتبط

## ادامه تشدید فضای امنیتی و جو سرکوب ...

مسئول فعلی بررسی‌ها در دفتر رهبری) و قاضی مرتضوی است. این تیم که همکاری بخشهایی از پرسنل وزارت اطلاعات را جلب کرده است، قصد دارد تمام مجاری اطلاع رسانی اصلاح طلبان را مسدود کند تا آنان امکان روشننگری نداشته باشند. برخورد با سایت‌های اینترنتی و تلاش برای راندن جوانان و تشویق آنان به خروج قانونی یا غیرقانونی از کشور در دستور کار این عده قرار دارد...

درباره گستردگی ابعاد و برنامه‌های وسیع این گروه ضربتی تشکیل شده توسط دفتر خامنه‌ای، در هفته‌های گذشته اخبار گوناگونی منتشر شده است که قابل تأمل است. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در نامه سرگشاده‌ای به خاتمی رئیس‌جمهوری، درباره یورش‌های اخیر ضمن ابراز نگرانی جدی از این روند اشاره می‌کند که: «در شرایطی که رسانه‌ها و ارگان‌های وابسته به یک جناح در ارائه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و نیز تبلیغات و ترویج شایعات و عملیات روانی علیه جریان رقیب از آزادی کامل و مصونیت برخوردارند، جناح مقابل حتی از حداقل امکانات رسانه‌ای به منظور برقراری محدودترین سطح ارتباط با مخاطبان خود محروم است؛ لذا می‌توان چنین ارزیابی کرد که مجموعه اقدامات فوق به ویژه علیه ارگان‌های مطبوعاتی و اینترنتی احزاب و گروه‌های اطلاع‌طلب، در کوتاه مدت با هدف قطع کامل ارتباط ایشان با جامعه و تحمیل رقابتی نابرابرتر و ناعادلانه‌تر از پیش از انتخابات ریاست جمهوری و در دراز مدت ایجاد خفقان سیاسی و حاکمیت استبداد باشد...» اطلاعیه این سازمان همچنین با ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت دونفر از دست اندرکاران این سایت از زیر فشار قرار داشتن آنها در سلول‌های انفرادی خبر می‌دهد.

در اخبار همچنین آمده بود که گزارشگران بدون مرز با انتشار بیانیه شدید الحنی نسبت به سرنوشت حرکات سرکوب گرانه اخیر شدیداً ابراز نگرانی کرده‌اند. در این اعلامیه آمده است: «سه روزنامه نگار که با روزنامه‌های اصلاح طلب همکاری کرده یا می‌کنند، در روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریور دستگیر شده‌اند. حنیف مزروعی، بابک غفوری آذر و شهرام رفیع زاده آخرین قربانیان موج دستگیری و بستن سایت‌های اینترنتی اطلاع رسانی هستند که دستگاه قضایی در هفته‌های گذشته سازمان داده است. بعد از مسدود کردن و بستن سایت‌های اینترنتی اطلاع رسانی و دستگیری تعدادی از دست‌اندرکاران این سایت‌ها، مقامات قضایی ایران به احضار، تهدید و دستگیری روزنامه‌نگارانی که مشکوک به همکاری با این سایت‌ها هستند پرداخته‌اند.» لازم به تذکر است که دستگیر شدگان فوق در ارتباط با سایت خبری «رویداد» همکاری می‌کرده‌اند. در اعلامیه گزارشگران بدون مرز همچنین ذکر شده است که: «ظاهراً در چند هفته‌ی گذشته تعدادی از مسئولین و کارکنان شرکت‌های خدمات‌دهنده اینترنتی که دستگیر شده بودند آزاد شده‌اند. اما بنا بر اطلاعاتی که به دست ما رسید است مسئولان فنی و وب‌نگاران سایت‌های اطلاع رسانی و خانواده‌های آنها، پس از احضار و یا بازداشت شدیداً تحت فشار قرار گرفته و تهدید شده‌اند که در مورد بازداشت خود با هیچ کس سخن نگویند و به ویژه با سازمان‌های مدافع حقوق بشر داخلی و یا خارجی تماس نگیرند. گزارشگران بدون مرز یادآور می‌شود که: با سیزده روزنامه‌نگار زندانی، ایران بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران در خاورمیانه است.»

و بالاخره اینکه در اخبار آمده بود که وکیل علی اکبر نجفی با

اشاره به محکومیت ۶ ماهه موکلش علت این محکومیت را نوشتن جمله «دوران ستمگران مستبد به پایان رسیده است» از سوی دادگاه ذکر کرده است.

از مجموعه خبرهای ذکر شده و همچنین اخبار دیگر در زمینه آماجگی بیش از پیش نیروهای امنیتی برای برخورد با دانشجویان دانشگاه‌های کشور روشن می‌گردد که رهبری رژیم ولایت فقیه و خصوصاً ولی فقیه و نردیکانش ندارک گسترده‌یی را برای تحکیم پایه‌های حکومت استبداد آغاز کرده‌اند. تنش‌ها و درگیری‌های سال‌های اخیر در میان جناح‌های مختلف حاکمیت در کنار اوج‌گیری جنبش مردمی ضد استبداد و اعتلای روحیه مبارزه جویی در میان قشرهای اجتماعی خصوصاً دانشجویان، کارگران و زنان میهن ما در مجموع پایه‌های استبداد را به شدت متزلزل و تضعیف کرده و ادامه حاکمیت رژیم ولایت فقیه را با خطرات جدی روبه‌رو کرده بود. ارتجاع حاکم با درک این خطرات و همچنین توجه به اوضاع به شدت بحرانی منطقه در ماه‌های اخیر تصمیم قاطع در زمینه حرکت به سمت ایجاد فضایی برای تحکیم پایه‌های حاکمیت خود را اتخاذ کرد. رسوایی انتخابات مجلس هفتم که هزینه سنگینی برای سران رژیم و ژست‌های عوام فریبانه آنها در زمینه «آزادی‌های بی نظیر در نظام نمونه جهان» به همراه داشت و عملاً رد قاطع نظریه امکان استحاله و اصلاح پذیرگی رژیم بود. این رسوایی پایه‌های اجتماعی رژیم را بیش از پیش، حتی در میان شماری از طرفداران «نظام»، نابود کرد و عملاً افشاگر نیت سران رژیم برای تحکیم پایه‌های یک دیکتاتوری شبه نظامی در ایران بود. بر خلاف ادعاهای برخی از اصلاح طلبان حکومتی که تاکتیک‌های آنان (یعنی سکوت و عقب نشینی) جناح مقابل را با دشواری‌های جدی رو به رو کرده است، واقعیت این است که با تشدید جو فشار و خفقان و از بین بردن امکان تبلیغی - ترویجی با توده‌های مردم رژیم به تدریج شرایط را برای پایان دادن کامل هرگونه فعالیت سیاسی نیروهای اصلاح طلب به صورت علنی یا نیمه علنی فراهم می‌آورد. ادامه این وضع بی شک به ضرر جنبش مردمی و همه آزادی خواهان کشور است. راه مبارزه با این موج نو سرکوب و ارباب نه خاک پاشیدن در چشم توده‌ها و طرح ادعاهای نادرست بلکه سازمان‌دهی مبارزه وسیع سیاسی - اجتماعی است. سرنوشت عبرت‌انگیز دولت خاتمی باید درس جدی برای همه مدافعان اصلاحات باشد که تصور می‌کرده و می‌کنند که می‌توان با استبداد بر سر میز معامله نشست و در چارچوب‌های از پیش تعیین شده نیروهای ارتجاعی امر تحقق خواست‌های مردم را به جلو برد. به گمان ما هنوز فرصت برای مقابله با توطئه‌های ارتجاع وجود دارد. جسارت در مقابله با این توطئه‌ها و طرح راه کارهای موثر که شرکت وسیع نیروهای اجتماعی را به همراه داشته باشد در کنار سازماندهی مقاومت توده‌ای از طرق مختلف و ممکن شرط اصلی متوقف کردن روند نگران‌کننده کنونی در درون کشور است. در کنار این تلاش‌ها تشدید فعالیت‌های بین‌المللی همبستگی و افشا کردن برنامه‌های پلید ارتجاع در سطح جهان و سازمان‌دهی یک اعتراض وسیع جهانی بر ضد سرکوبگران حقوق مردم ما می‌تواند امری موثر در بالا بردن روحیه جنبش مردمی و تشدید فشار بر رژیم سرکوبگر حاکم باشد. حزب توده ایران از همه نیروهای مترقی و انسان دوست ایران و جهان می‌خواهد تا یک صدا اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم بلند کنند.

## شعارهای «ساده» و عوام فریبانه بوش برای ادامه سیاست های جنگ طلبانه

جنگ طلبانه و ضد مردمی بوش و حزب جمهوری خواه برگزار شد که با دخالت پلیس به خشونت کشیده شد و در جریان آن بیش از ۱۷۰۰ نفر نیز بازداشت شدند. همچنین تقریباً تمامی سندیکاهای کارگری آمریکا نیز پشتیبانی خود را از «جان کری» اعلام کرده اند، مساله ای که سبب خشم و عصانیت جمهوری خواهان و رسانه های وابسته به آنها شده است. روزنامه «واشنگتن تایمز» بر همین اساس از اتحادیه های کارگری خواسته است تا از حمایت حزب دموکرات دست بردارند. این روزنامه که به جمهوری خواهان گرایش دارد، می نویسد: «اتحادیه های کارگری صدها میلیون دلار از پول اعضای خود را به حساب حزب دموکرات واریز کرده اند.» در حالی که به ادعای همین روزنامه «از سال ۱۹۷۲ به این طرف، به طور متوسط ۴۱ درصد خانواده های اعضای اتحادیه های کارگری به نامزد های جمهوری خواه رای داده اند.» (دوشنبه ۱۶ شهریور ۸۳) تمامی این تلاش ها بر این اساس صورت می گیرد تا بار دیگر «جورج بوش» به ریاست جمهوری انتخاب شود تا بتواند به روند سیاست های جنگ طلبانه خود، با خشونت بیشتری ادامه دهد. هر چند که احزاب دموکرات و جمهوری خواه در عمده مسایل داخلی و خارجی، سیاست های مشابهی را تا کنون پیش گرفته اند و اعتمادی به «جان کری» در مورد بهبود شرایط نیست، اما انتخاب مجدد بوش به مفهوم تایید سیاست های جنگ طلبانه و ضد مردمی اوست. تلاش نیروهای صلح طلب و مترقی آمریکا در انتخابات آتی، متوجه عدم انتخاب جورج بوش است. با عدم انتخاب جورج بوش، در واقع مردم انزجار خود را از ادامه سیاست های ماجراجویانه دولت او نشان خواهند داد و این «نه» قاطعی به ادامه سیاست های تجاوز کارانه و جنگ طلبانه ایالات متحده خواهد بود.

### سرنوشت بخش تعاونی در رژیم ....

باید اساسنامه تعاونی ها برخلاف آنچه اکنون از سوی استبداد فقها تحمیل شده دارای محتوی کاملاً دموکراتیک باشد. تعاونی ها باید از حمایت دولت به ویژه ارایه خدمات و تخفیف برخوردار باشند. اکنون هیچ کدام از اصول و موازین لازم برای بخش تعاونی وجود ندارد. این بخش نه تنها حمایت و تقویت نمی گردد، بلکه آرام آرام در حال حذف شدن کامل از نظام اقتصادی است. خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۱۵ شهریور ماه از قول حسن نوعی اقدم یکی از نمایندگان رژیم در مجلس هفتم خبر داد که، در مجلس به دنبال ایجاد وزارت رفاه، انحلال وزارت تعاون و ادغام آن در وزارت بازرگانی در حال بررسی است. این نماینده رژیم علت این امر را عملکرد موازی دستگاههای مختلف دولتی با هم عنوان کرد. به این ترتیب درک رژیم ولایت فقیه از تعاون و بخش تعاونی روشن می گردد!

کوتاه سخن: تبلیغات پیرامون عدالت اجتماعی و تقویت بخش تعاونی بویژه از سوی چهره هایی نظیر رفسنجانی، صرفاً اقدامی نمایشی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آینده است و هیچ پایه و مبنای واقعی ندارد!

کنگره انتخاباتی حزب جمهوری خواه آمریکا در روز ۱۰ شهریور، کار خود را آغاز کرد، کنگره ای که با تأیید مجدد بوش به عنوان کاندیدای این حزب در انتخابات آتی، در واقع پشتیبانی خود را از سیاست های جنگ طلبانه و صلح ستیزانه بوش اعلام کرد. جورج بوش در سخنرانی یک ساعته خود، با این که در قالب برخی شعارهای ساده و عوام فریبانه بهبود امنیت آمریکا و بالا بردن سطح زندگی مردم، مطرح کرد، اما تأکید اصلی او بر روی یک موضوع اصلی بود و آن این که او «در مبارزه با تروریسم در خط مقدم حمله خواهد ایستاد و تروریست ها را در خارج از آمریکا مورد حمله قرار خواهد داد تا نتوانند به این کشور حمله کنند.» (خبرگزاری بی بی سی ۱۵ شهریور ۸۳) تأکید بوش بر این موضوع، به مفهوم ادامه سرکوب ها در هر کشوری که آمریکا مایل باشد، خواهد بود. او در مصاحبه خود با خبرگزاری ان - بی - سی، نیز بر خلاف ادعاهای سابق خود که گفته بود، «من برنامه ای روشن و استراتژی مشخصی را برای پیروزی در جنگ علیه تروریسم دارم» (۲۴ تیر ۸۳ نیویورک تایمز)، این بار اعلام کرد که «به نظر من نمی توان تروریسم را کاملاً از بین برد و ریشه کن کرد، اما می توان شرایطی را به وجود آورد که استفاده از ترور به عنوان یک وسیله سیاسی، غیر قابل قبول شود.» (۹ شهریور ۸۳ نیویورک تایمز)

این موضع گیری جدید، هشدارى به تمامی کشورهای جهان است. در واقع می توان گفت که بوش در مورد ادامه جنگی بی پایان به همه جهانیان اخطار کرده است. جنگی بی انتها علیه هر نیرویی که مخالف سیاست های آمریکاست. در این میان، کارگزاران دولت بوش تلاش می کنند تا با جانداختن این مساله که «جنگ علیه تروریسم» یک مساله ملی است، رای دهندگان را مجاب کنند که در چنین شرایطی، عوض شدن رئیس جمهور، به این «جنگ» لطمه خواهد زد. روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» در همین مورد نوشت: «جمهوری خواهان می کوشند پیوسته این شعار را تکرار کنند که آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر وارد دوره ای جدید شده که به رهبری جسور با عزم جزم نیاز دارد و این که خصوصیات شخصی جورج بوش چنین نیازی را بر آورده می کند.» (جمعه ۱۳ شهریور ۸۳) واشنگتن پست نیز با اشاره به سیاست خارجی آمریکا، به ویژه در عراق، می نویسد: «هر چند درصد قابل توجهی از رای دهندگان آمریکایی ممکن است موافق عمل کرد آمریکا نباشند، اما کمتر کسی این واقعیت را رد می کند که جورج بوش در مقابله با تروریسم جسورانه و شجاعانه عمل می کند.» (جمعه ۱۳ شهریور ۸۳) در کنار چنین تحریف هایی، سایر رسانه های گروهی نیز تلاش می کنند تا با وارونه جلوه دادن واقعیت ها و «ساده کردن» مسایل موجود در آمریکا، به انحراف افکار عمومی دست بزنند. تا پیش از کنگره انتخاباتی جمهوری خواهان، تقریباً تمامی نظر سنجی ها حاکی از پیشی گرفتن «جان کری» از «جورج بوش» بودند، اما پس از سخنرانی انتخاباتی جورج بوش، که بیشتر بر روی «جنگ علیه تروریسم» تأکید داشت، گویا «چرخشی» در «نظر سنجی ها» به وجود آمده است. مجله «تایم» در جریان برگزاری کنگره انتخاباتی جمهوری خواهان، دست به یک نظر سنجی زد و اعلام کرد که «میزان حمایت رای دهندگان از رئیس جمهور به بالاترین میزان در خلال چند ماه اخیر رسیده است و این که حمایت رای دهندگان از رییس جمهور حدود ۱۱ درصد بیشتر از جان کری است.»

اما در کنار این ادعای مجله تایم، مقارن با برگزاری کنگره جمهوری خواهان، تظاهرات نیم میلیونی در نیویورک و در مخالفت با سیاست های



احداث شاه لوله های نفت و گاز از طریق ترکیه (بندر جیهان) به سمت اروپا گردید. شرکت فراملی بریتیش پترولیوم (انگلستان) که مبتکر و سهامدار اصلی این خطه لوله می باشد، به همراه شرکتهای آمریکایی از رویدادهای گرجستان و به قدرت رسیدن نیروهای هوادار غرب حسن استقبال کرده و آن را موقعیتی استثنایی برای احداث و تکمیل طرح باکو-جیهان نامیدند.

واکنش روسیه به حوادث گرجستان، شدید و بسیار جدی بود. ناآرامی در بخش های مختلف این کشور بویژه در اوستیای جنوبی و منطقه آبخاز که هر دو از مناطق ناآرام گرجستان هستند، نشان داد مسکو به هیچ رو به سادگی میدان را خالی نخواهد کرد. این نکته ای است پراهمیت زیرا با توجه به حضور نظامی امپریالیسم در افغانستان و عراق و تعهدات امنیتی دولت باکو به آمریکا، تغییرات در قفقاز به معنای تنگ تر شدن حلقه ناتو گرد روسیه و از دست رفتن منافع سرشار انرژی برای این کشور است. بی جهت نبود ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه، بلافاصله در واکنش به گروگانگیری در شهر بسلان با قطعیت اعلام داشت: تروریستها روسیه را هدف قرار داده اند.

نکته ظریف در اقدام تروریستی اخیر، انتخاب مکان آن یعنی یک دبستان آنهم در جمهوری اوستیای شمالی است. اوستیای شمالی تنها منطقه ارتودوکس نشین در میان چند جمهوری مسلمان نشین است. به بیان دقیق تر، اوستیای شمالی پایگاه اصلی روسیه و تکیه گاه مسکو در قفقاز می باشد. انتخاب این منطقه نشان می دهد هدف بی ثبات ساختن قفقاز و افشاندن تخم نفاق و نفرت قومی مذهبی و نژادی است. زیرا قفقاز محل تلاقی نژادها، اقوام و مذاهب گوناگون است. به همین دلیل بود که پوتین در مصاحبه ای باصراحت خاطر نشان ساخت؛ هدف اعمال تروریستی ایجاد کینه های قومی مذهبی است که باعث ازهم پاشیدن منطقه قفقاز می شود. با توجه به آن چه که اشاره رفت، می توان نتیجه گرفت، تروریسم و خشونت در قفقاز هدفی جز بی ثبات ساختن این منطقه و تامین منافع امپریالیسم در بر ندارد. تحولات در قفقاز برای میهن ما ایران دارای اهمیت بسزایی است. ایران در کنار روسیه عمده ترین نقش را در قفقاز دارا هستند، زیرا علاوه بر مجاورت جغرافیایی، معادلات سیاسی اقتصادی در آن با توجه به پیوندهای تاریخی و فرهنگی، بطور مستقیم بر منافع و امنیت ملی آنها تاثیر می گذارد. هرگونه بی ثباتی در شرایط حساس کنونی در قفقاز به زیان منافع ایران است. صلح و ثبات در این منطقه دارای اهمیتی اساسی برای امنیت ملی کشور ماست. از این رو اقدامات وحشیانه اخیر در اوستیای شمالی زنگ خطری جدی برای میهن ما نیز تلقی می شود. گسترش خون ریزی و تروریسم در قفقاز منافع ملی ایران را به چالش گرفته و در اوضاع بغرنج و خطرناک کنونی، باعث پدید آمدن دشواری های غیر قابل پیش بینی برای مردم ما می گردد. ایران از نقطه نظر منافع ملی خود، باید حامی ثابت قدم همکاری و ثبات و روابط عاری از زور و خشونت در منطقه باشد.

## بی ثباتی در قفقاز تهدیدی برای کشورهای منطقه

گروگانگیری و اقدامات جنایتکارانه در اوستیای شمالی واقع در منطقه قفقاز که، منجر به مرگ دلخراش نزدیک به ۵۰۰ تن از جمله ۲۰۰ کودک و نوجوان بی گناه گردید، بار دیگر ژرفای تحولات بزرگ در این منطقه حساس و استراتژیک را نمودار ساخت.

به گروگان گرفتن صدها دانش آموز به همراه آموزگاران و تعدادی از والدین آنها در شهر بسلان و پایان دردناک این اقدام تروریستی و ضدانسانی از سوی باندهای تبهکار نشان داد، منطقه پراهمیت قفقاز آستان رخ دادهایی است که در صورت کنترل نشدن می تواند مجموعه منطقه از جمله روسیه را بی ثبات ساخته و امنیت و منافع آن را به چالش بگیرد. حادثه تروریستی اوستیای شمالی، صرفاً یک اقدام کور تروریستی و یا آنگونه که پاره ای از رسانه های همگانی در اروپا و آمریکای شمالی مایلند توصیف کنند، یعنی مبارزه جویی استقلال طلبان چچن و پاسخ آنها به رفتار خشونت آمیز ارتش روسیه نبوده و نمی تواند باشد. این رخ داد را باید در پیوند با سلسله تحولات منطقه قفقاز و حوزه دریای خزر بویژه در چند ماه گذشته ارزیابی کرد.

منطقه قفقاز بویژه بخش شمالی آن که اوستیای شمالی نیز در آن واقع است از چند جنبه دارای اهمیتی راهبردی می باشد. این اهمیت محدود به منافع روسیه نیست، بلکه با فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش کشورهای نوپدید در این منطقه، پای قدرتهای فرامنطقه ای به آن کشیده شده و علاوه بر روسیه و میهن ما ایران که دارای منافع انکار ناپذیر در قفقاز هستند، کشورهای اروپایی و نیز به نوعی چین و ژاپن هم اکنون دارای اهدافی مشخص در این منطقه می باشند.

به لحاظ جغرافیایی قفقاز مرزهای جنوبی روسیه و همجوار با خاورمیانه حوزه خلیج فارس قلمداد می گردد. به همین جهت مسکو نقش اصلی و مهم برای خود در تحولات آن قایل است. به علاوه این منطقه یکی از مراکز انرژی جهان بوده و ذخایر سرشار نفت و گاز آن برای انحصارات فراملی روسیه، ایران و آمریکا و اروپا فوق العاده حیاتی است. این را نیز باید افزود که، قفقاز به دلیل موقعیت جغرافیایی محل عبور شاه لوله های نفت و گاز به سمت روسیه و اروپا نیز به شمار می آید. به عنوان نمونه مهمترین شاه لوله های نفت و گاز از این منطقه به سوی خاک اصلی روسیه، تماماً از جمهوری چچن می گذرد.

به این ترتیب هرگونه فعل و انفعال در منطقه قفقاز تاثیر جدی بر منافع و امنیت ملی روسیه و ایران داشته و با منافع آمریکا و اتحادیه اروپا نیز پیوند می یابد. پیش از اقدام تروریستی در شهر بسلان در اوستیای شمالی، چند رخ داد مهم توازن استراتژیک منطقه را دستخوش تغییر نمود. مهمترین آن تغییر در حاکمیت گرجستان بود. دولت جدید تفلیس از نزدیکی و هم پیمانی با ناتو و آمریکا به شدت استقبال کرده و همین امر، منافع و امنیت روسیه را به چالش طلبیده است. این امر را باید در کنار گسترش ناتو به سوی مرزهای روسیه قرارداد تا ژرفای حساسیت مسکو روشن گردد. از دیگر سو تغییرات در حکومت گرجستان و گرایش آشکار به آمریکا در آن سبب تسهیل در امر

### کمک های مالی رسیده

دو نفر از هواداران در سینت یال آمریکا ۲۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 695**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

14 September 2004

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک